

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گردآوری و ویرایش مختصر متن دو پست جناب دکتر سهیل داوری در کانال علم و
دین/ Science and Religion به تاریخ ۳۰ نوامبر ۲۰۲۱ (نهم آذرماه ۱۴۰۰)
پیرامون تبیین عناوین «مادی» «فیزیکال» و «طبیعی»

سید آرش ابطحی

پاییز ۱۴۰۲

چه چیزی مادی، فیزیکال یا طبیعی است؟

اهمیت پاسخ به این سوال زمانی روشن می شود که شاهد نزاع بر سر وجود داشتن امری ماورای مادی باشیم و ببینیم پس از گفتگوی بسیار، دعوا باز می گردد به اینکه اصلاً چه چیزی مادی است و چه چیزی را میتوان غیرمادی دانست. و باز اهمیت پاسخ به این سوال بیشتر می شود اگر توجه کنیم که طبیعت گرایی روش شناختی که در آن نیز تفکیک امور طبیعی از غیر آن ضروری می باشد مبنای بی چون و چرایی برای علم معرفی شده است.^۱

در این میان می توان فیزیکیالیسم/Physicalism، ماتریالیسم/Materialism و طبیعت گرایی/Naturalism وجود شناختی را با تسامحی اندک معادل یکدیگر بدانیم.

اگر به مدخل فیزیکیالیسم دانشنامه فلسفی استنفورد مراجعه کنیم^۲ قسمتی از این مدخل به تعریف امر فیزیکی^۳ اختصاص یافته است.

بر اساس منبع فوق [ترجمه جناب یاسر پور اسماعیل از این مدخل (علاقه مندان می توانند ترجمه کامل این مدخل را از سایت فیدیبو تهیه نمایند^۴)] فیزیکیالیسم را می توان چنین تعریف کرد:
_ هر چیزی فیزیکی است.

_ یا، آن طور که گاهی برخی از فیلسوفان معاصر بیان می کنند: «هر چیزی بر امور فیزیکی فرارویداده میشود یا به موجب امور فیزیکی ضرورت می یابد.»

ایده کلی این است که ماهیت جهان واقع (یعنی جهان و هر آنچه در آن است) با شرط خاصی مطابق است، یعنی شرط فیزیکی بودن.

البته فیزیکیالیست ها انکار نمی کنند که ممکن است جهان دربردارنده امور بسیاری باشد که در نگاه اول، فیزیکی به نظر نمی رسند اموری که ماهیتی زیستی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی دارند با وجود این، تأکید می کنند که در نهایت، این قبیل امور یا فیزیکی اند یا بر امور فیزیکی فرارویداده^۵ می شوند.

برای تعریف امر فیزیکی دو رویکرد مورد توجه بوده است:

۱ - رویکرد نظریه بنیاد

۲ - رویکرد شیء بنیاد

۱. نک: مقاله «طبیعت گرایی روش شناختی در علم» نوشته نیما نریمانی، برای بارگیری مقاله به [این نمایه](#) رجوع کنید.

2. plato.stanford.edu/entries/physicalism/
3. plato.stanford.edu/entries/physicalism/#CondQues
4. www.fidibo.com/book/4001
5. en.m.wikipedia.org/wiki/Supervenience

بر اساس رویکرد نظریه بنیاد امر فیزیکی اینگونه تعریف می‌شود:

یکی ویژگی فیزیکی است اگر از آن نوع ویژگی باشد که نظریه فیزیکی درباره اش سخن می‌گوید (یا ویژگی ای باشد که بلحاظ متافیزیکی یا منطقی بر آن نوع ویژگی ای که نظریه فیزیکی درباره اش سخن می‌گوید فرارویداده شده باشد).

The theory-based conception:

A property is physical iff it is the sort of property that physical theory tells us about.

برای مثال اگر نظریه فیزیکی درباره جرم می‌گوید جرم داشتن ویژگی فیزیکی است.

و بر اساس رویکرد شی بنیاد امر فیزیکی چنین تعریف می‌شود:

یک ویژگی فیزیکی است اگر از آن ویژگی‌هایی باشد که که اشیاء فیزیکی نمونه وار و مقوم های آنها دارا هستند (یا ویژگی ای که بلحاظ متافیزیکی و منطقی بر آن ویژگی ای که لازمه تبیین کاملی از آن ویژگی فیزیکی است فرارویداده شده باشد).

اگر صخره یا ستاره مثال بارز اشیای فیزیکی هستند در این صورت ویژگی صخره یا ستاره بودن یک ویژگی فیزیکی است. یا اگر جرم داشتن برای تبیین کامل ویژگی‌های این اشیا فیزیکی بارز لازم است انگاه جرم داشتن یک ویژگی فیزیکی خواهد بود.

The object-based conception:

A property is physical iff it is the sort of property had by paradigmatic physical objects and their constituents.

اشکالات و ایراداتی که بر تعاریف فوق وارد شده است:

۱- دور

۲- دوگانه یا محذور همپل

۳- همه روان دار انگاری

۴- شیوه سلبی

۵- رابطه میان این دو تلقی

(۱) ایراد دور^۷

همانطور که با اندکی دقت معلوم می شود در اینجا با تکیه بر مفهوم فیزیکی، فیزیکی بودن تعریف شده است. در واقع با تعریفی دقیق از نوع تحویل تحلیلی / Reductive analysis که ویژگی فیزیکی را بطور جامع و مانع تعریف کند روبرو نیستیم.

(۲) ایراد محذور همپل / Hempel's dilemma^۸

هر تعریف نظریه بنیاد از فیزیکالیسم یا کاذب است یا بی اهمیت.

اگر نظریات امروز ملاک باشد نگاه کاذب است و اگر فیزیک آینده ملاک باشد بی اهمیت است چون نمی دانیم فیزیک آینده چگونه خواهد بود.

در پاسخ به این اشکال تعریف های ارائه شده را از نوع تعاریف شباهت خانوادگی ویتگنشتاین دانسته اند.

(۳) ایراد همه روان دار انگاری (پان سایکیسم)^۹

اشکالی که دوگانه همپل بر فیزیکالیسم با تعریف نظریه بنیاد وارد می کند، ایراد پان سایکیسم بر تعریف شیء بنیاد وارد می کند.

اگر کسی در پاسخ به سوالاتی که معضل آگاهی در برابر فیزیکالیسم قرار داده است پان سایکیسم را برگزیند، در این حالت مثل اعلای یک موجود فیزیکی که در تعریف شیء محور فیزیکالیسم مبنای تصمیم گیری است آگاه خواهد بود!

به هر حال اشکال انجاست که در تعریف شیء فیزیکی نمونه، هویت آن بطور دقیق معلوم نشده است، و همانطور که در این مثال مشاهده می شود در نهایت تعریفی از شیء فیزیکی نمونه بدست خواهد آمد که با آنچه در ابتدا در ذهن داریم به کل در تقابل و تضاد خواهد بود.

(۴) ایراد شیوه سلبی^{۱۰}

شکلی از تعریف موجود فیزیکی روش سلبی است. موجودی فیزیکی است اگر و تنها اگر فلان ویژگی را نداشته باشد، برای مثال ذهنی نباشد.

7. plato.stanford.edu/entries/physicalism/#Circ

8. plato.stanford.edu/entries/physicalism/#HempDile

9. plato.stanford.edu/entries/physicalism/#PanpProb

10. plato.stanford.edu/entries/physicalism/#ViaNega

حیات باوری/vitalism را در نظر بگیریم و فرض کنیم صادق باشد. در این صورت آیا حیات داشتن به شیوه فوق یک معیار سلبی برای فیزیکالیسم محسوب می‌شود یا خیر؟

بر اساس مطالب گفته شده باز می‌گردیم به مقدمه مطلب که در آن به مباحثات گاه و بیگاه در فضای مجازی بر سر وجود یا عدم موجودات غیرمادی [ماوراء الطبیعه/Super natural] اشاره شده بود، باید توجه کرد که:

۱. برای مثال اگر کسی بر اساس تعاریف فلسفه اسلامی از ماده و هویات مادی وارد گفتگو با کسی شود که مادی و فیزیکی بودن را بر اساس تعاریف فوق می‌شناسد مشکل اصلی پیش روی چنین گفتگویی یکسان نبودن تعریف آن چیزی است که بر سر آن گفتگو می‌شود. به بیان دیگر عبارات مادی و غیرمادی در چنین گفتگویی به مفاهیمی متفاوت که در لفظ مشترک هستند دلالت می‌کنند.

۲. ابهام در تعریف مادی و فیزیکی مشکلی در برابر هر دوسوی چنین گفتگوهایی است و البته به زعم من بویژه در برابر کسی که از فیزیکالیسم دفاع می‌کند.

۳. ابهام مورد اشاره میتواند بطور خواسته یا ناخواسته به «مغالطه تغییر تعریف» در موضوع مورد مناقشه بیانجامد.

اکنون قصد آن داریم با مراجعه به ویژه نامه طبیعت گرایی مجله Think نمونه هایی از مشکلاتی که این ابهامات برای طبیعت گرایان بوجود می‌آورد را بررسی کنیم^{۱۱}:

دومین مقاله این مجموعه به قلم خانم پروفیسور لوئیس آنتونی^{۱۲} "طبیعت گرایی چیست؟" نام دارد و خانم لوئیس صراحتاً می‌گوید به وجود امثال خدا یا روح باور ندارد ولی ادامه می‌دهد نه بدلیل اینکه آنها جز موجودات طبیعی نیستند چرا که تعریف مبنایی روشنی برای تمایز بین آنچه طبیعی است از آنچه طبیعی نیست در اختیار ندارد.

In fact, I do not believe in God or souls or miracles, nor do I believe in telepathy. But it's important to understand why. I do not deny the existence of any of these things because they are 'supernatural' – I can't say that because, as I explained, I don't have any substantive definition of 'nature' that would entail that certain kinds of things are not or cannot be part of nature.

۱۱. برای بارگیری کامل مجموعه مقالات این شماره [شماره ۵۶، پاییز ۲۰۲۰] از نشریه Think به [این نمایه](#) رجوع کنید؛ مقاله خانم آنتونی از صفحه ۲۱ آغاز میشود.

12. en.wikipedia.org/wiki/Louise_Antony

او به عنوان مثال مفاهیمی مانند تله پاتی یا ارتباط با مردگان را نام می برد که نمونه های بارز باورهای فراطبیعی تلقی شده اند اما در همان حال تلاش طولانی و ریشه داری برای تبیین علمی آن پدیده ها وجود داشته است.

در ادامه او برداشت خاصی از طبیعت گرایی بنام طبیعت گرایی علمی را معرفی می کند، مدعای این شکل از طبیعت گرایی آن است که ساینس داور نهایی همه حقایق و معارف است.

Scientistic Naturalism: Science is the arbiter of all truth and all knowledge.

نویسنده خداناباور مقاله در ادامه به شدت این شکل از طبیعت گرایی را نقد و نفی می کند. در این رابطه از جمله می توان به این دلایل اشاره کرد:

- روشها و متدهای ساینس خیلی واضح و مشخص نیستند.

- دانشمندان در عمل به همان متدهای علمی هم همیشه مقید نیستند.

- دلیلی ندارد که ساینس را تنها راه کسب معرفت بدانیم.

همچنین از جمله می گوید طبیعت گرایی علمی جزئی از هیچ تئوری علمی نیست بلکه یک نگرش مشخص به علم است که از یک ادای احترام تنها پا را فراتر گذاشته است.

Scientistic Naturalism is not a part of any scientific theory; rather, it is an expression of a certain attitude towards science, one that goes far beyond mere respect.

در نهایت بازگویی این جمله خانم لوئیس کاملاً در تحلیل بهتر آن مناظره کمک کننده است:

And that is my basic problem. Naturalism seems to be a faith that the sort of problematic issues I have mentioned can all one day be resolved by improved scientific methods.

"اشکال اصلی من آن است که بنظر می رسد این بیشتر یک باور ایمانی باشد که موارد در دسر ساز فوق همگی روزی با کمک تکنیکهای بهبود یافته علمی پاسخ داده خواهند شد".

مقاله دیگری از همان شماره نشریه Think به قلم استیون لاو^{۱۳} "طبیعت گرایی تئیسیم دوگانه ای کاذب" نام دارد و نویسنده به نتیجه تحقیقی درباره نگرش اساتید و فارغ التحصیلان فلسفه اشاره می کند که بر اساس نتایج آن حدود ۱۵ درصد تحقیق شوندگان تئیسیت و ۵۰ درصد نچرالیسیت بودند یعنی ۳۵ درصد تحقیق شوندگان نه تئیسیت و نه نچرالیسیت بوده اند.

13. en.wikipedia.org/wiki/Stephen_Law

نویسنده خود را در زمره آن گروه سوم می داند و علت اصلی چنین موضعی را ابهام در معنی موجود طبیعی معرفی می کند و از چهار M نام می برد که طبیعت گرایی در تبیین آنها با مشکل روبرو می شود:

Mind, Moral valves, Modal, Mathematics

نویسنده می گوید اگر کسی سوال کند که پاسخ طبیعت گرایی برای تبیین این موارد کدام است پاسخ من نمی دانه خواهد بود و البته ادامه می دهد این پاسخ نداشتن در موضع اتئیستی من بی تاثیر خواهد بود.

در نهایت این جملات مقاله تأمل برانگیز است:

Philosophical doubts about naturalism tend to spring, first, from concerns about whether 'naturalism' is even a well-defined term. What is naturalism? A common first port of call is to say that naturalism consists in the rejection of belief in the supernatural. But what is the supernatural? Why, it's that which isn't natural, of course! But these explanations are, as they stand, entirely circular and uninformative

"طبیعت گرایی در برگیرنده نفی هویت ماورای طبیعی است، اما ماورای طبیعی چیست و چرا؟ پاسخ البته آن است که آنچه‌یزی که طبیعی نباشد." از نظر نویسنده "این توضیح کاملاً دوری و خالی از محتواست!"